

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

بنای تفسیر ما بر تفسیر ترتیبی و برای همین امر از سوره حمد شروع می‌کنیم البته اگر جایی بنا شد یک جا (موضوعی) صحبت شود، یک جا صحبت می‌کنیم. سوره‌هایی که مثل سوره حمد کوتاه باشند یک نمائی، از آن ارائه می‌دهیم. سوره‌هایی که طولانی هستند، ممکن است این کار در هر یک صفحه یک صفحه انجام دهیم. حُسن این کار این است که سوره تکه تکه نمی‌شود و سوره یک جا دیده می‌شود و اگر پیامی در سوره هست، پررنگ می‌شود.

نمای سوره حمد

حدود ۱۰ مبحث امروز بحث می‌شود و جامع این بحث‌ها نمایی از سوره هست. اولاً در اینکه سوره مکی است یا مدنی، اختلاف است. بعضی‌ها مانند قتاده گفته‌اند سوره مکی است و بعضی‌ها مثل مجاهد گفته‌اند سوره مدنی است. البته این دو نفر افرادی نیستند که قول‌شان حجت و سند باشد ولی در حدی که انسان اطلاع داشته باشد. ما به مکی و مدنی بودن کار نداریم البته اگر کسی به دنبال جمع آوری سوره‌های مکی باشد همراه با ثمره‌اش و به دنبال جمع آوری سوره‌های مدنی باشد همراه با اقتضائاتی که دارد، باید در مکی و مدنی بودن سوره‌ها کار کند ولی برای ما کار مهمی محسوب نمی‌شود.

فیه اختلاف کونها مدنیاً او مکياً.

با اینکه اول سوره نازل بر پیامبر، سوره حمد نیست ولی به دستور پیامبر اول قرآن قرار داده شده است و لذا یکی از اسامی معروف آن فاتحة الكتاب است. نکته‌ای که از این بحث می‌خواهیم استفاده کنیم این است که اگر بگوئیم این نام‌گذاری از زمان پیامبر اکرم بوده است، معلوم است که قرآن زمان خود پیامبر کتاب بوده و جمع آوری شده است و این در علوم قرآن بحث مهمی است که قرآن چه زمانی جمع آوری شده است، پیامبر با سوره‌ها چگونه رفتار کرده‌اند و بعد از پیامبر چه اتفاقاتی رخ داده است. خود فاتحة الكتاب اگر از زمان پیامبر بوده معلوم است که کتاب بوده و کتاب هم اقتضائاتی دارد. هیچ وقت فیش را کتاب نمی‌گویند؛ مجموعه فیش را هم مجازاً کتاب می‌گویند، حقیقاً کتاب نمی‌گویند. این در بحث علوم قرآنی اثر دارد که محور بحث ما نیست البته اگر زمانی پیش آمد که لازم شد این بحث را مطرح کنیم، رسیدگی می‌کنیم.

این سوره تنها سوره‌ای است که دو بار نازل شده است لذا سَبْعُ الْمَثَانِي می‌گویند. یعنی چون هفت آیه دارد سبع است و دو بار نازل شده است مثانی است. اگر اهل جستجو باشید راجع وجه نام‌گذاری سوره حمد به سَبْعُ الْمَثَانِي حرف‌های دیگری هم زده شده است.

عظمت سوره حمد

۱. این سوره در خود قرآن همتای قرآن به حساب آمده است. وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ۱. این القرآن العظیم ذکر عام بعد خاص است یعنی عدل قرآن قرار داده شده است.

۲. این سوره پایه نماز قرار داده شده است. نمازی که خودش عمود دین است. **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ**^۱. همچنین رسول اکرم می فرماید: **لَا صَلَاةَ إِلَّا بِقَاتِحَةِ الْكِتَابِ**^۲. سوره حمد تنها سوره ای است که در شبانه روز باید ۱۰ بار باید بخوانیم.
۳. شریف ترین سوره، اساس قرآن و اُمُّ القرآن، جامع ترین حکمت الهی و ... سوره حمد است. بزرگانی از تفسیر که شاید بهتر از همه در این موارد جمع آوری تفسیر نمونه از بقیه بهتر است.
۴. این سوره سوره عظیمی است و از نظر آثار، آثار زیادی بر خواندن سوره حمد مترتب شده است از جمله شفا بودن سوره حمد لکل اسقام و امراض بودن است، چه مرض جسمی و چه مرض روحی. **قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ نَالَهُ عِلَّةٌ فَلْيَقْرَأْ فِي جَيْبِهِ الْحَمْدَ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّ دَهَبَتِ الْعِلَّةُ وَإِلَّا فَلْيَقْرَأْهَا سَبْعِينَ مَرَّةً وَ أَنَا الصَّامِنُ لَهُ الْعَافِيَةَ**^۳. کسی که برسد او را مریضی (عِلَّة) حمدی را در سینه اش یا در جیب - جیب در لغت فارسی همان جیب است - بخواند و اگر خوب شد که هیچ و الا هفتاد مرتبه بخواند و من برای او عافیت را ضمانت می کنم. البته با همه این ضمانت ها ممکن است مصلحت کسی نباشد و در روایات است که خداوند گاهی دعاها را به یک شکل دیگری اجابت می کند و خود طرف هم نمی داند و احساس می کند که اجابت نشد؛ ولی در حد اقتضا هم که فرض کنیم هفت مرتبه، نشد هفتاد مرتبه و امام می فرمایند من ضامن هستم. در این باره روایاتی داریم که عجیب و غریب است.
۵. ثواب قرائت این آیات که از رسول خدا آمده است: **أَيُّمَا مُسْلِمٍ قَرَأَ قَاتِحَةَ الْكِتَابِ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثِي الْقُرْآنِ وَأُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَنَّمَا تَصَدَّقَ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ**^۴. اگر این سوره را بخواند، دو سوم قرآن را خوانده است. در مورد **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** ثلاث قرآن داریم، در مورد **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** نصف قرآن داریم ولی به سوره حمد که می رسد می فرماید گویی دو سوم قرآن را خوانده است البته اینها از منظر ثواب است. کسی که سوره فاتحه را بخواند مانند این است که به هر مؤمن و مؤمنه ای صدقه داده است.
۶. حالا در اینجا یک بحث کوتاهی را باز می کنیم. بحث اول این است که آیا منظور از این قرائت ها، صرف قرائت و تلاوت است یا قرائت و التزام و عمل به مفاد است؛ یعنی شرط عمل هم دارد یا ندارد؟ بحث دوم خود تصور این مطلب است، مثلاً فرض کنید یک نفر قرآن نمی خواند و از این به بعد شروع به خواندن حمد کند و بگوید من با دوبار خواندن حمد، دو بار قرآن را خوانده ام.
- این بحث فقط برای سوره حمد نیست، جاهای دیگری هم این بحث است. برخی از مفسران متأخر مانند مفسران تفسیر نمونه وقتی به این روایات می رسند می گویند معلوم است که منظور صرف قرائت و تلاوت نیست و لذا در بعضی از سوره ها **قَرَأَ** و **عَمِلَ** است؛ این بحث خیلی مهم است. جاهایی که ثواب است مانند زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها روایت بسیار معتبری است که می گوید **مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقَمِّ،**

۱. الإفصاح فی الإمامة، جلد ۱، صفحه ۲۰۱

۲. عوالی اللغالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، جلد ۱، صفحه ۱۹۶

۳. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد ۶، صفحه ۲۳۲

۴. جامع الأخبار، جلد ۱، صفحه ۴۳

۵. سوره اخلاص، آیه ۱

۶. سوره قدر، آیه ۱

فَلَهُ الْجَنَّةُ^۱ که برخی در مورد این روایت گفته‌اند منظور روایت، صرف زیارت نیست.^۲ برخی از روایات مبین ثواب، مشکل دارند و ما به هر روایت مبین ثواب معتقد نیستیم. بعضی از این روایات مشکل محتوایی دارند ولی اگر یک چیزی قابل قبول بود دیگر با آن روایت سوبسید (یارانه) ندهیم. بلی مثلاً انسان قرائت کند و ثواب هم ببرد ولی این ثواب از بین برود. بعضی‌ها تولیدشان خوب است ولی با گناه یا کارهای دیگری این عمل را به باد می‌دهند لذا آخر کار دست‌شان خالی است. خب اگر قرأ است، قرأ ترجمه شود و اگر قرأ و عمل دارد، قرأ و عمل ترجمه شود و از پیش خودمان چیزی را اضافه نکنیم. عرض شد که باید به مردم بگوئیم که مواظب باشید شیطان اعمال را از دست‌تان نبرد چرا که این کار خیری که انجام می‌دهیم ناله شیطان را در می‌آورد و برای همین شیطان به صاحب عمل می‌چسبد تا این کار خیر را از بین ببرد حالا یا با ریا، یا با منت یا با عجب و ...، خلاصه از دست‌مان می‌گیرد. نکته دیگر خود حجم ثواب است. حجم ثواب اگر قابل التزام باشد ملزم می‌شویم مثلاً برای اهمیت سوره حمد خداوند یک همچین ثوابی را قرار دهد نه بنا است که از خزانه الهی چیزی کم شود و نه بنا است که خداوند از کسی چیزی بگیرد و بدهد، بلی برخی از موارد که پای مقایسه در کار است، بحث قدری سخت است که تأمل می‌کنیم مثلاً گفته شود که اگر کسی فلان زیارت را بخواند مانند این است که با پیامبر در هفتاد جهاد شرکت کرده است، یا اینکه هزار سال در کنار کعبه نماز خوانده است، در اینگونه موارد مقایسه پیش می‌آید که قدری سخت است. شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان وقتی به همچین زیاراتی می‌رسد می‌گوید یعنی چه، چون زیارتی است که قبول ندارد (زیارت حُبّی) و همان مدل را که در بعضی از زیارات است می‌آورد ولی سکوت می‌کند که بنده خودم در گوشه مفاتیح‌ام نوشته‌ام فتأمل و واقعا جای تأمل دارد. از روایاتی که بنده با آن کنار نمی‌آیم روایتی است در باب نماز جماعت است. نماز جماعت عظمت دارد و بنده می‌گویم در صورتی که نمی‌توانیم در نماز جماعت شرکت کنیم حتی الامکان این جماعت را به خانه-هایمان بکشیم و بنده خودم به این معتقد هستم. روایتی است که می‌گوید اگر عدد جماعت به ده نفر رسید، تمام درختان عالم قلم شود و تمام دریاها مرکب شود نمی‌توان ثواب یک رکعت این نماز جماعت را نوشت. خب اولاً نوشتن چگونه است، یعنی کلی هم نمی‌شود نوشت؟ باید دقت شود.

پس بحث اول این است که روایاتی که در عظمت تلاوت سوره‌ها است همان‌طور که هست معنا شود و به گفته امام معصوم نه اضافه کنیم و نه از گفته معصوم کم کنیم. اگر قرأ و عمل دارد، قرأ و عمل بگوئیم و قرأ دارد همان قرأ را بگوئیم و قرأ و عمل نگوئیم.

بحث دوم نفس ثواب‌ها است که باید دقت داشته باشیم.

خود رفتار با روایات یک بحثی است که باید بررسی شود چون خیلی از روایات مبین ثواب سوره‌ها سند ندارد و البته خیلی از روایات هم سند دارد و نباید در مورد این روایات هم بی‌مهری شود.

۱. کامل زیارات، صفحه ۵۳۶

۲. بنده سال‌های ۶۷ و ۶۸ بود که با اصحاب تفسیر نمونه یک همکاری داشتم و قرار بود اگر نکته‌ای باشد برای این آقایان بنویسم. بنده برای این گروه نوشتم که اولاً این سوبسید (یارانه) است که شما می‌دهید. خود حضرت رسول اکرم زبان گفتن را داشتند که بگویند قرء و عمل. حالا مثلاً اگر کسی بخواهد به سوره حمد عمل کند به کجای سوره عمل کند. ثانیاً اینکه در بعضی از سوره‌ها قرء و عمل آمده است و در بقیه سوره‌ها نیامده است شاهد بر این است که آن موارد هم قرء و عمل یا شاهد بر این است که در آنجا عمل مدنظر نبوده است. حالا نمی‌داند عمل شد یا نشد.

سوال حضار: استاد این روایاتی که فرمودید گفته نشود درست ولی برای این ثواب‌هایی که هست یک توجیهی بفرمائید و هم‌چنین چیزی که به ذهن بنده می‌رسد راوی از امام سوال کرد که از رسول خدا رسیده که هر کسی ذره‌ای تکبر داشته باشد در قعر جهنم است که با این فرموده پیامبر تکلیف همه مشخص می‌شود که یا جهنمی هستند یا بهشتی. امام فرمودند منظور تکبر در برابر امام و ولی خدا است، یعنی به نحوی توجیه کردند. این روایات هم شاید نماز جماعتی است که با آن شرایط فکری عقیدتی عملی که انسان دارد پشت سر امام معصوم باشد چنین ثوابی را دارد.

پاسخ استاد: نکته اول اینکه انسان اگر بتواند نصی را توجیه کند توجیه می‌کند البته اگر معقول و قابل توجیه باشد. نکته دوم اینکه پیامبر یا امام معصوم توجیه می‌کنند، در این صورت نیازی به سوال از توجیه هم نیست ولی ما نمی‌توانیم باب توجیه را باز کنیم. یعنی همین‌طور اگر مطلق است قید بزنیم اگر مقید نیست مقید کنیم مانند کاری که اصحاب تفسیر نمونه کردند. بهرحال ما باید بر اساس موازین جلو برویم. بعلاوه ما با برخی رفتارها کار داریم. شما فرمودید شاید منظور نماز جماعت پشت سر امام معصوم باشد که می‌گوئیم دلیل این توجیه چیست که این پرسش از دلیل، از پیامبر یا امام معصوم نمی‌شود ولی از شما می‌شود سوال کرد. اصلاً بعضی وقت‌ها به هر شکلی بخواهیم قابل توجیه نیست. مثلاً همین نماز پشت سر امام بگویند ثوابی به اندازه عرش اعظم الهی دارد که نه قلم شدن درختان عالم را می‌خواهد و نه مرکب شدن دریاها را، اجمالاً موارد فرق می‌کند. بنده برخی استفاده‌ها را نقد کردم نه برخی توجیه‌ها را. توجیه اگر دلیل داشته باشد وضعنا علی الرأس و العین ولی اگر نداشته باشد چه می‌شود.

۷. نسبت بسم الله سوره با خود سوره: تنها سوره‌ای که به اتفاق شیعه و سنی، بسم الله جزئی از سوره است. اهل تسنن و برخی از عالمان شیعی در بقیه سوره‌ها بسم الله را جزئی از سوره نمی‌دانند و حالا یا جزئی از قرآن هم نمی‌دانند که کاش نمی‌گفتند، یا جزئی از قرآن می‌دانند ولی جزء سوره نمی‌دانند. ولی این سوره تنها سوره‌ای است که بسم الله هم جزئی از سوره است منتها در اینکه بلند گفته شود یا آرام گفته شود بحث‌هایی بین شیعه و سنی دارد. اما در اینکه جزء من السوره و آیه من السوره باشد، بسم الله همین سوره است و این برای نماز آیات مؤثر است. اگر کسی خواست برای نماز آیات یک سوره‌ای را پنج قسمت بکند، اگر بخواهد حمد را بخواند می‌تواند بسم الله حمد را بگوید و به رکوع برود و ادامه نماز، ولی در سایر سوره‌ها به بسم الله به عنوان یک قسم نمی‌توان اکتفا کرد زیرا خلاف احتیاط است.

سوالات حضار

سوال ۱: در مورد جمع‌آوری قرآن کریم روایت داریم که نماز را با فاتحة الكتاب شروع کنید، از طرفی داریم که حضرت به محض اتمام کفن و دفن پیامبر اسلام فرمودند که لباس را از تنم در نمی‌آورم تا قرآن را جمع‌آوری کنم، از طرفی سیوطی آورده‌اند که قرآن در زمان ابوبکر جمع‌آوری شده است، از عایشه هم روایتی است که صفحاتی از قرآن را بُز خورد و بخاطر همین ابوبکر ترسید که قرآن از بین برود، قرآن را جمع‌آوری کرد. این روایات را چگونه توجیه می‌کنید؟

پاسخ استاد: در توجیه این روایات باید بگوئیم که قرآن را حضرت امیر علیه السلام جمع‌آوری کردند و کار حضرت صرف جمع‌آوری قرآن نبود و نقل شما، نقل ناقص است. دارد که حضرت قرآن را با شأن نزول‌ها، اسباب نزول‌ها جمع‌آوری کردند و لذا آن قرآن از این قرآن بیشتر بود و توجیه می‌کنند که آنها مطالب جزئی از قرآن نبوده و حضرت سر و سامان داده‌اند. کسی که می‌خواهد توجیه کند می‌گوید حضرت امیر المؤمنین علیه السلام سامان دادند. بعد هم شاید اینها نوشته

شده ولی پراکنده بوده و هم‌چنین روی پوست نوشته می‌شد اما کتاب صدق می‌کرده چون در خود قرآن آمده **ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ**^۱ این ذلک الکتاب به اعتبار آینده نبوده و مجاز است.

سوال ۲: این فرمایشی که داشتید برخی از آیات قرآن را هم در بر می‌گیرد. یعنی مثلاً آیه‌ای که در مورد فضیلت نماز شب است یا عقوباتی که قرآن می‌فرماید مانند ... **مَثْوَى الظَّالِمِينَ**^۲ یا ... **مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ**^۳، حالا در بعضی آیات از قرائن قبل فهمیده می‌شود که متکبرین در برابر انبیاء منظور است ولی در بعضی از آیات اینگونه نیست.

پاسخ استاد: در پاسخ بخش اول سوال شما، تمام نعمت‌های بهشتی، حتی ساده‌ترین شان را هم نمی‌توانیم تصور کنیم. اینکه می‌گویند اگر یک حور العین به زمین بیاید، فلان می‌شود بهمان می‌شود حالت طبیعی کار است و جنس نعمات آخرتی را هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و این چیز عجیبی نیست. بخش دوم سوال شما، اشکال شما اشکالی بیش از هزارساله است و اوج‌اش خلود است. اگر برسیم مطرح خواهیم کرد و البته مطرح شده و جواب‌هایی داده شده است.

سوال ۳: استاد خلود هم بر فرض برای متکبرین نباشد، همان جایگاه متکبرین جهنم باشد، خب جهنم با آن عظمت‌اش باید توجیه شود.

پاسخ استاد: کلا در قرآن وقتی تکبر گفته می‌شود منظور تکبر در برابر حق است، در مقابل خداوند است مانند تکبر ابلیس. حالا یک نفر تکبر ورزید خیلی بد است ولی این آن جهنم را نمی‌طلبد.

سوال ۴: استاد این روایاتی که در فضیلت نماز جمعه است با شواهد و قرائن زیادی همراه هستند که منظور نماز جمعه‌ای است پشت سر پیامبر و امام معصوم باشد.

پاسخ استاد: اگر قرینه باشد اشکالی ندارد، منتها باز ما همان نماز پیامبر را هم کنار نمی‌گذاریم. مشکل بنده عدم تصور است. ثواب چگونه باید نوشته شود. خب ردّوه الی الامام یک بابی است که اگر چیزی از ما شنیدید سبک سر نباشید که بلافاصله رد نکنید. اما سبک سر نبودن یک مطلب است و اینکه یک چیزی بگوئیم که نتوان دفاع کرد مطلب دیگری است.

ما باید این را در نظر بگیریم که آیا بشر همه چیز را می‌تواند بفهمد. اگر بگویند بلی عقل می‌تواند بفهمد در پاسخ می‌گوئیم عقل چیست؟ همین عقلی که آسان‌ترین چیز است کجاست؟ چگونه است؟ یا روح چیست؟ بعد می‌گوئیم باید قبول کنیم که ما برخی نکات را نمی‌توانیم دریابیم. حالا اگر ولی خدا یک قدرت فوق‌العادی‌ای داشته باشد شما با چه سندی آنرا رد می‌کنید؟ یا نباید به این موارد ورود کرد یا عالمانه پاسخ داد. مثلاً زندگی امام صادق علیه السلام معجزه است یا زندگی امام عکسری علیه السلام تماماً معجزه است. انسان باید به اینجا برسد که زندگی ائمه همگی معجزه است و باید اینها را تحلیل کرد.

سوال ۵: استاد برای هفت تا حمدی که امام می‌فرمایند من ضامن هستم توجیه‌اش چگونه شد؟

۱. سوره بقره آیه ۲

۲. سوره آل عمران آیه ۱۵۱

۳. سوره غافر آیه ۷۶

پاسخ استاد: ممکن است اقتضا باشد ولی مانعی بیاید و اثر نکند یا اینکه مصلحتی باشد. حضرت نمی خواهند بگویند حتی اگر مصلحت اش نباشد. ممکن است طرف مریض باشد و مصلحت مریضی اش این باشد که شخص فوت کند. گاهی وقت ها اگر کسی باشد ممکن است گناهان بیشتری انجام دهد.